

اهل الذکر المسلمین

حجة الاسلام و المسلمین سید احمد خاتمی

آیه شریفه می‌گوید اگر در حقانیت پیامبر(ص) شک دارید نشان‌های او را که در کتابهای پیشین مانند تورات و انجیل نازل شده از اهل کتاب پرسید.

در مورد شأن نزول آیه آمده است که جمعی از کفار قریش می‌گفتند این قرآن از طرف خدا نازل نشده بلکه شیطان به محمد(ص) القاء می‌کند!! این سخن سبب شد که عده‌ای در تردید فرو روند خداوند با آیه فوق به آنها پاسخ گفت.^(۱)

آیه شریفه در مقام رجوع ضمیر متخصص به متخصص بیان یک کبرای کلی است و آن رجوع غیر متخصص به متخصص است بر این اساس است که فقهاء این آیه را به عنوان یکی از ادله جواز تقلید گرفته‌اند گرچه حقیقت آن است که آیه ارشاد به حکم عقل است. یعنی اگر این آیه هم نبود عقل به تنهایی هم می‌توانست اصل فوق را بفهمد، در زمان نزول آیه و در مواجهه با مشرکان در رابطه با پیامبر(ص) اهل ذکر می‌توانست همان علمای اهل کتاب باشند ولی این به معنای آن نیست که در همه زمانها و در برابر هر مسئله‌ای آنها

آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند. بسیاری از مفسرین اهل ذکر را در اینجا به معنی علمای اهل کتاب گرفته‌اند زیرا سؤال در باره پیامبران و رسولان پیشین و اینکه آنها مردانی از جنس بشر با برنامه‌های تبلیغی و اجرائی بودند. و به هنگام نزول قرآن آنها که با کتاب سر و کار داشتند علمای یهود و نصاری بودند آیه می‌گوید بروید از آنها پرسید تا باور کنید که ارسال رسل و انزال کتاب از کارهای عادی خداست. آنها با آنکه به اسلام و قرآن عقیده ندارند ولی عادی بودن رسالت آنها را از جانب خداوند تصدیق خواهند کرد. در آیه‌ای دیگر خطاب به پیامبر ولی در حقیقت خطاب به دیگران آمده است «فان كنت فی شك مما انزلنا الیک فاسئلوا الذین یقرؤن الکتاب من قبلک لقد جاءک الحق من ربک فلا تکن من الممترین».^(۲)

و اگر در آنچه بر تو نازل کردیم تردیدی داری از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می‌خوانند بپرس به یقین حق از طرف پروردگار تو رسیده است بنابراین هرگز از تردید کنندگان مباش.

«زیارت جامعه کبیره متن بلند امام شناسی شیعی است فرازهانی از آن را به صورت مختصر شرح کردیم و اینک فرازی دیگر: «و اهل الذکر» سلام بر شما امامان که اهل ذکر هستید.

■ معنی اهل الذکر

«ذکر» به معنی آگاهی و اطلاع است و اهل ذکر مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که از مصادیق بارز آن اهل بیت علیهم السلام هستند.

«و ما ارسلنا من قبلک الا رجلاً نوحی الیهم فسلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون بالبینات و الزبرو انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلمهم یتفکرون».^(۱) و پیش از تو جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم نفرستادیم اگر نمی‌دانید از آگاهان بپرسید(تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام(ص) از همین مردان برانگیخته شده است).

از آنها پرسید که از دلائل روشن و کتب آگاهند و ما این قرآن را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده برای

اهل ذکر باشند و به این ترتیب معنای فرمایش حضرت امام رضا(ع) روشن می‌شود که:

در روایتی که در عیون اخبار الرضا(ع) آمده از حضرت امام رضا(ع) نقل شده که امام(ع) به آن کسانی که آیه فوق را به دانشمندان یهود و نصاری تفسیر کرده‌اند خرده می‌گیرد و می‌گوید سبحان الله مگر چنین چیزی ممکن است اگر ما به علمای یهود و نصاری مراجعه کنیم مسلماً ما را به مذهب خود دعوت می‌کنند سپس فرمود: ما اهل ذکر هستیم.^(۴)

روایت در صدد نفی انحصار است، معنای روایت این است که اگر مشرکان عصر پیامبر(ص) برای آگاهی از این مسئله که پیامبران خدا از جنس بشر بودند وظیفه داشتند به آگاهان اهل کتاب مراجعه کنند مفهومی این نیست که تمام مردم در هر زمانی باید به آنها مراجعه نمایند بلکه هر مسئله‌ای در هر زمانی باید از آگاهان نسبت به آن مسئله پرسید.

■ امامان اهل ذکرند

با این مقدمه می‌گوییم از مصادیق بارز و بی‌تردید اهل ذکر امامان معصوم هستند. آنها هستند که مردم در هر زمینه‌ای که بخواهند می‌توانند از آنها بپرسند و بهره بگیرند.

در بیست و یک روایت از طریق شیعه و بیست و سه حدیث از طریق عامه رسیده است که مراد از اهل ذکر اهل بیت(ع) هستند.^(۵) و مرحوم علامه مجلسی حدود ۶۰ روایت در این زمینه نقل کرده است.^(۶)

در روایتی از امام علی بن موسی الرضا(ع) آمده است که حضرت در پاسخ این سؤال که اهل ذکر کیانند فرمود: «نحن اهل الذکر و نحن المسؤولون؛ ما اهل الذکریم و از ما باید سؤال شود».^(۷)

در روایتی از حضرت امام باقر(ع) در تفسیر آیه شریفه رسیده است: «الذکر القرآن و ان الرسول اهل الذکر و هم المسؤولون؛ ذکر قرآن است و اهل بیت پیامبر(ص) اهل ذکرند از آنها باید سؤال کرد».^(۸)

در برخی از تفاسیر اهل سنت از ابن

عباس در تفسیر آیه فوق نقل شده: «هو محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين هم اهل الذکر و العلم و العقل و الیان: اینان محمد(ص) و علی(ع) و فاطمه(س) و حسن(ع) و حسین(ع) هستند آنها اهل ذکر و اهل علم و عقل و بیان‌اند».^(۹)

بنابراین اینکه اهل بیت(ع) از مصادیق بارز «اهل الذکر» هستند جای تردید نیست.

■ نکاتی پیرامون آیه

از آیه «اهل ذکر» نکاتی استفاده می‌شود:

تقلید امر عقلایی است

۱- آنکه انسانهای ناآگاه برای رفع جهل خود باید در امور به عالمان مراجعه کنند. این در اصطلاح فقهی رجوع غیر خیره به خیره نامیده می‌شود. بنابراین مسئله «رجوع به متخصصان» در هر موضوعی امری پذیرفته شده و عقلایی است هم در امور دین و هم در غیر آن، بنابر تقلید که از مصادیق بارز رجوع غیر خیره به خیره در امور دینی است امری کاملاً عقلایی است و بنابر این این صفت بارز عقلایی را «میمون صفتی» خواندن ناشی از بی‌اطلاعی کامل و جهل به ماهیت تقلید است. اینکه انسان چیزی را که نمی‌داند از دانای مسئله بپرسد «عاقل صفتی» است.

باید پرسید

۲- «جهل» عذر نیست پرسیدن و دانستن وظیفه است. لذا در روز قیامت اگر از بنده پرسیده شود که چرا به وظیفه ات عمل نکردی و او در پاسخ بگوید نمی‌دانستم از او می‌پرسد «هلما تعلمت» چرا دنبال علم نرفتی تا بدانی.

لزوم تخصص و خبرویت پاسخ دهنده

۳- هر کس نمی‌تواند در جایگاه اهل ذکر قرار گیرد به عبارت دیگر در همه امور بویژه امور دینی باید از کارشناس و متخصص آن فن پرسید، به دیگر عبارات عالمانی می‌توانند مرجع سؤالات مردم قرار گیرند که علم با جانشان عجین شده باشد. اهل ذکر به کسانی گفته می‌شود که غفلت و نسیان در قلب آنها راه نیابد. باید تفاوتی بین «اهل ذکر» و «اهل علم» باشد. چرا خداوند فرمود: «فاسئلوا اهل العلم» و فرمود: «فاسئلوا اهل الذکر» شاید رازش نکته فوق باشد. در

اینجا سفارشی به همه پژوهشگران دینی بویژه جوانان عزیز دارم که بر نکته فوق عنایت ویژه داشته باشند. مراقب باشند سراغ هر کس که ادعای «کارشناسی دینی» داشت نروند!! تحقیق کنند آیا برآستی کارشناس است یا نه؟ و اینگونه نیست که با مطالعه چند کتاب فارسی مختصر دینی کسی را بتوان کارشناس دین نامید. یک کارشناس دینی باید مسلط به ادبیات عرب بوده یکدوره فقه، اصول دیده باشد باید از فلسفه و کلام مطلع باشد، باید آشنای با تفسیر قرآن و روایات عترت باشد...و...

لزوم پاسخگویی

۴- اگر پرسش از اهل ذکر لازم است، دو امر پیامد آن است:

۱- اولاً باید اهل ذکر پاسخگو باشند. نمی‌شود خداوند بفرماید از اهل ذکر بپرسیم ولی آنها موظف به پاسخ نباشند (البته حساب جایی که پاسخ دادن مصلحت نیست جداست) در روایتی از وجود مقدس نبی اکرم(ص) رسیده است:

«لاینبغی للعالم ان یسکت علی علمه و لاینبغی للجاهل ان یسکت علی جهله و قد قال الله تعالی فاسئلوا اهل الذکر...»^(۱۰)

سزاوار نیست که عالم بر علم خود سکوت کند و سزاوار نیست که جاهل بر جهل خود ساکت بماند همانا خداوند فرمود: «فاسئلوا اهل الذکر».

۲- پذیرش پاسخ عالمانه و منطقی عالم لازم است، زیرا که لزوم پرسش بدون پذیرش پاسخ او لغو محسوب می‌شود البته با قیدی که گفتیم یعنی پاسخ عالمانه و منطقی چون آیه می‌گوید: «ان کتتم لاتعلمون» یعنی بپرسید تا به علم برسید. به علم رسیدن از رهگذر پاسخ منطقی و عالمانه است.

■ ■

بی‌نوشت‌ها:

۱. سوره نحل، آیه ۴۳ و ۴۴.

۲. سوره یونس، آیه ۹۴.

۳. تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۶ ص ۲۲۷ (چاپ مرکز پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی).

۴. تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۵۷.

۵. غایة المراد، ص ۲۴۰.

۶. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۷۲ به بعد.

۷. تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۵۵ و ۵۶.

۸. همان.

۹. رک احقاق الحق، ج ۳، ص ۲۸۲.

۱۰. الدر المنثور، ج ۵ ص ۱۲۳.